

شاهزاده کورک

● ماهنامه‌ی شاهد کودک

● شماره ۱۸ تیر ۱۳۸۶

● بها ۲۵۰ تومان





رأله‌های
آسمانی

ای بچه ماهی

لطیفه

علمی

نقطه به نقطه

کمک

دلفین‌ها

قدم به قدم

معرفی کتاب

حضرت فاطمه (س) کیست؟

جدول حرف ت و ث حرف

فرم اشتراک شاهد کودی

بچه و بچه‌سازان

دخترهای گل

آثار بچه‌ها

راه پر خطر!

داستان کودی

فارسواری

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران
مدیر مسئول: دکتر حسین دهقان
سر دبیر: عباس خامه یار
جانشین سر دبیر: محمد علی فقیه
دبیر تحریریه: سپیده خلیلی
مدیر داخلی: گلдіس حکمی
ویراستار: ترانه امیر ابراهیمی
مدیر هنری: علیرضا ذاکری
گرافیک و صفحه آرایی: مهسا بزرگامید
ناظر فنی چاپ: محمدرضا قادری
امور فنی: آتلیه شاهد
تلفن تحریریه: ۸۸۳۰۸۰۸۶
تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۲۳۵۸۴
دورنگار امور مشترکین: ۸۸۳۰۹۲۴۹
آدرس الکترونیکی: koodak@shahedmag.com
صندوق پستی: ۱۵۷۱۵/۱۹۱
ناشر: انتشارات شاهد
تهران - خیابان ایت الله طالقانی
خیابان ملک الشعرای بهار شمالی
شماره ۳ - تلفن: ۸۸۸۴۲۲۴۷
چاپ: چاپخانه بلاغ
خیابان شریعتی - بالاتر از حسینیه ارشاد - کوچه بهشت آسا
توزیع: موسسه فرهنگی هنری شاهد: ۸۸۸۲۹۵۲۳

تصویر روی جلد: ندا عظیمی

نشانی: تهران خیابان آیت الله طالقانی،

خیابان ملک الشعرای بهار شمالی، شماره ۳

صندوق پستی: ۱۹۱-۱۵۷۱۵

email: koodak@shahedmag.com

تلفن: ۸۸۸۳۵۱۰۸

* مجله در تلخیص و ویرایش مطالب رسیده آزاد است

* مطالب رسیده باز گردانده نمی شود

* نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ مجاز است

● تصویر گر: فریابندی

ای پچہ ماہی

رفتیم به استخر

همراه بابا

دیروز عصری

دوتایی تنها

هر کس در آنجا

مانند دریا

هر لحظه می‌رفت

پایین و بالا

من هم پریدم

آهسته در آب

به به قشنگ است

زیباتر از خواب

آرام می گفت:

با خنده بابا

ای بچہ ماہی

شادی و زیبا؟!



لاله‌های آسمانی

● مرجان طباطبایی
● تصویرگر: مریم طباطبایی



روزی روزگاری پیرزن مهربانی در یک خانه‌ی کوچک زندگی می‌کرد. در خانه‌ی پیرزن، باغچه‌ی کوچکی پر از گل‌های لاله بود. یک شب، پیرزن از صدای یک آواز قشنگ و خنده‌های کودکان از خواب بیدار شد. به نظرش رسید که شاید صدا از باغچه‌ی گل‌های لاله باشد. اما چیزی معلوم نبود. صبح روز بعد، پیرزن در میان گل‌های باغچه قدم می‌زد تا ببیند چه خبر شده است. اما هیچ اثری از سر و صدای شب قبل نبود.

شب بعد، دوباره با همان صدای آواز و خنده‌ها بیدار شد. از رخت‌خوابش بلند شد و پاورچین پاورچین به باغچه‌ی گل‌های لاله رفت. نور ماه همه جا را روشن کرده بود و گل‌های باغچه زیر نور ماه به این طرف و آن طرف حرکت می‌کردند. پیرزن از نزدیک به گل‌ها نگاه کرد و با تعجب دید که در کنار هر گل لاله، یک



فرشته‌ی مادر، گل را مانند گهواره تکان می‌دهد و آواز می‌خواند. در هر جام گل، یک بچه‌ی کوچک می‌خندد و با صدای کودکانه، آن گل را بابا صدا می‌زند.

پیرزن مهربان آهسته به اتاقش برگشت. از آن روز به بعد، تصمیم گرفت که دیگر هیچ گل لاله‌ای را نچیند و به همسایه‌ها هم اجازه‌ی دست زدن به گل‌ها را نداد. لاله‌ها روز به روز زیباتر و بزرگ‌تر می‌شدند. آن‌ها هر سال شکوفه می‌دادند و باغچه را پر از گل‌های زیبا می‌کردند.

باز هم هر شب فرشته‌های مادر، بچه‌های خود را در جام تکان می‌دادند و برایشان لالایی می‌خواندند تا به خواب بروند.

وقتی پیرزن مهربان از آن خانه رفت، مردم باغچه را خراب کردند و به جای گل، سبزی کاشتند؛ چون از وجود فرشته‌های باغچه‌ی لاله بی‌خبر بودند. اما سبزی و تمام گیاهان دیگر باغچه پژمرده شدند و دیگر هیچ گل و گیاهی آن‌جا سبز نشد.

طولی نکشید که بچه‌های لاله‌ها بزرگ شدند و دوباره همه جا را پر از گل‌های لاله کردند.



لطیفه

دندان

• تصویرگر: بهاره زارع

معلم از شاگرد پرسید: «آخرین دندانی که در می آید، چه دندانی است؟»
شاگرد جواب داد: «دندان مصنوعی است!»



حمام

خبرنگار از فوتبالیست پرسید: «چرا قبل از هر بازی به حمام می روی؟»
فوتبالیست جواب داد: «برای این که گل های تمیز بزنم!!»

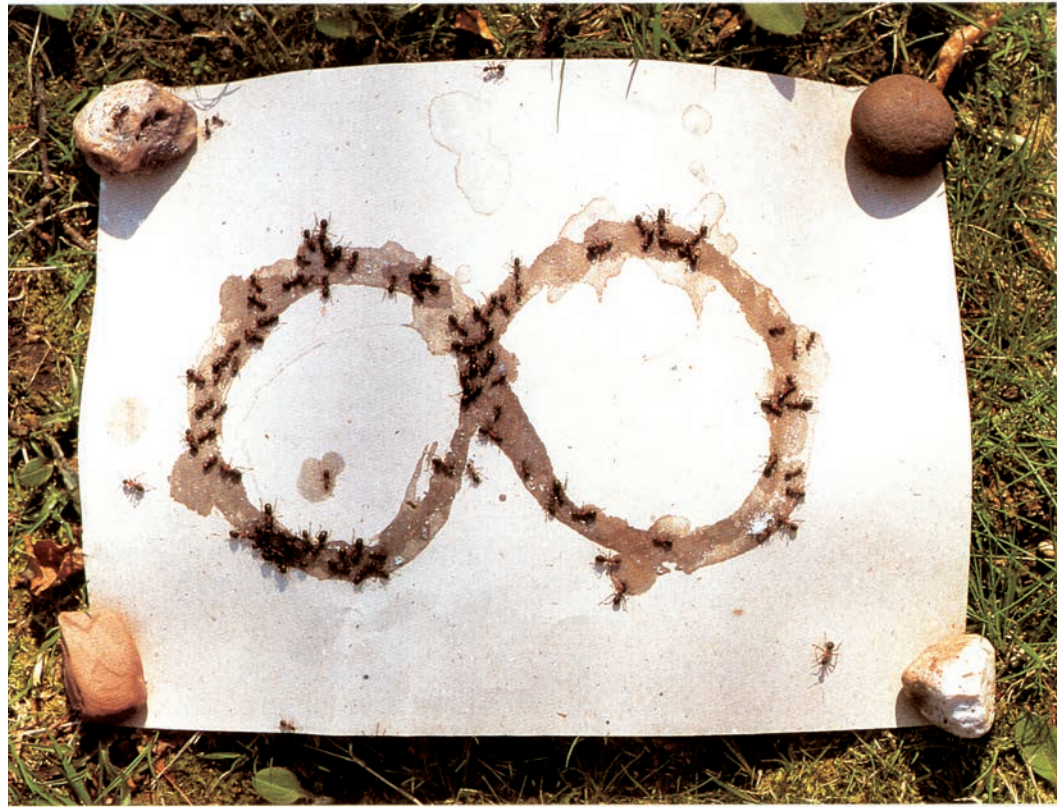


سگه

مردی سگه ای به هوا می اندازد، شیر می آید فرار می کند.

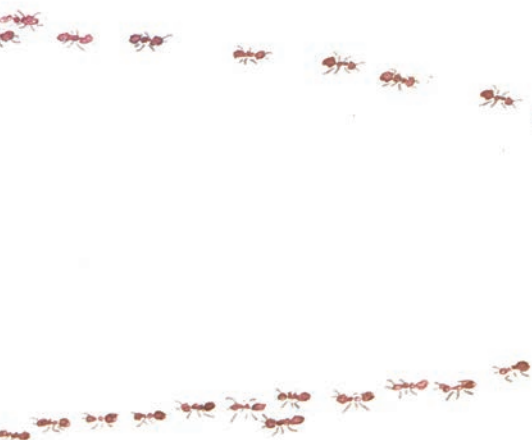


علمی مسابقه‌ی دو سرعت مورچه‌ها



دفعه‌ی بعد که خواستی برای پیاده روی به پارک بروی، یک برگ کاغذ که آب جذب می‌کند، یک حبه قند و یک شیشه‌ی کوچک آب با خودت ببر.

در بین راه بایست و دنبال جایی بگرد که مورچه‌ها در آن جا جمع شده باشند. شاید توی حیاط خانه و مدرسه هم، مورچه‌های زیادی زندگی کنند.





حبه‌ی قند را خیس کن و با آن دو دایره یا شکل دیگری روی کاغذ بکش. کاغذ را نزدیک لانه‌ی مورچه‌ها بگذار. روی هر گوشه‌ی کاغذ، یک تکه سنگ بگذار تا باد آن را نبرد. ولی لانه‌ی مورچه‌ها را خراب نکن!



طولی نمی‌کشد که اولین مورچه‌ها شیرینی را ردیابی می‌کنند. بعد تعداد بیش‌تر و بیش‌تری جمع می‌شوند تا ذره‌های قند را ببرند.

راه پر خطر!

شروع

مزاحم
نشوید

خطر غرق شدن

گیاهان
گوشت خوار

جرات داری
شناک!

کلبه‌ی جنگلی

پایان

تصویر گر: سیامک ذوالفقاریان

این شکارچی شجاع، فقط از یک راه بی خطر می‌تواند به کلبه‌ی جنگلی برسد، راه را به او نشان بده!

نقطه به نقطه

• مریم حرمی



نقطه ها را به هم وصل کن، بین چه شکلی پیدا می شود!





به خرمشهر خوش آمدید

اول خرمشهر قشنگ بود. بچه‌ها بازی می‌کردند. بعد عراقی‌ها آمدند و شهر را گرفتند. بچه‌ها به باباهایشان گفتند. باباها با تفنگ آمدند و با عراقی‌ها جنگ کردند. اما عراقی‌ها شهر را گرفتند و همه جا را خراب کردند. بعد پاسدارها و بسیجی‌ها آمدند و با آنها جنگ کردند. و خرمشهر را گرفتند. عراقی‌ها تسلیم شدند و دست‌ها را روی سرشان گذاشتند. مردم به شهر برگشتند، شادی کردند و مسجد را چراغانی کردند.

زهرا نادعلی زاده - ۴/۵ ساله از دامغان





کمک دلفین‌ها

برای اولین بار در جنگ ایران و عراق، نیروی دریایی ایران برای پیدا کردن مین‌ها (بمب‌هایی که زیر آب کار می‌گذارند)، از دلفین‌ها استفاده کرد.

دلفین‌ها صداهای متفاوتی دارند. آن‌ها هنگام منفجر شدن مین در زیر آب‌های خلیج فارس و سواحل ایران و عراق، صدای ویژه‌ای تولید می‌کردند. حتی رفتارشان عوض می‌شد و دریانوردان می‌فهمیدند که در زیر آب خبری هست.

وقتی دلفین‌ها به زیر آب می‌رفتند، در برابر هر چه که صدا تولید می‌کرد، صدایی در می‌آوردند. بعد نیروی دریایی، آن محل را با یک وسیله‌ی شناور نشانه‌گذاری می‌کرد. غواص‌ها (افرادی که می‌توانند زیر آب شنا کنند) می‌رفتند و مین را از کار می‌انداختند تا کشتی‌هایی که در خلیج فارس رفت و آمد می‌کردند، در امان باشند.

خرسواری

● ناصر کشاورز

● تصویرگر: سیاوش ذوالفقاریان

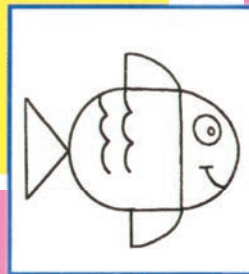
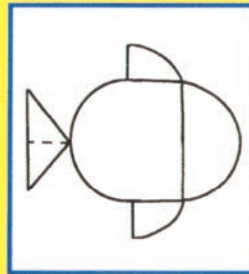
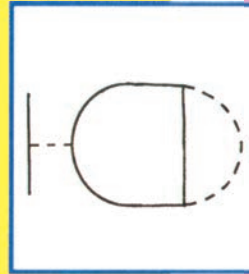
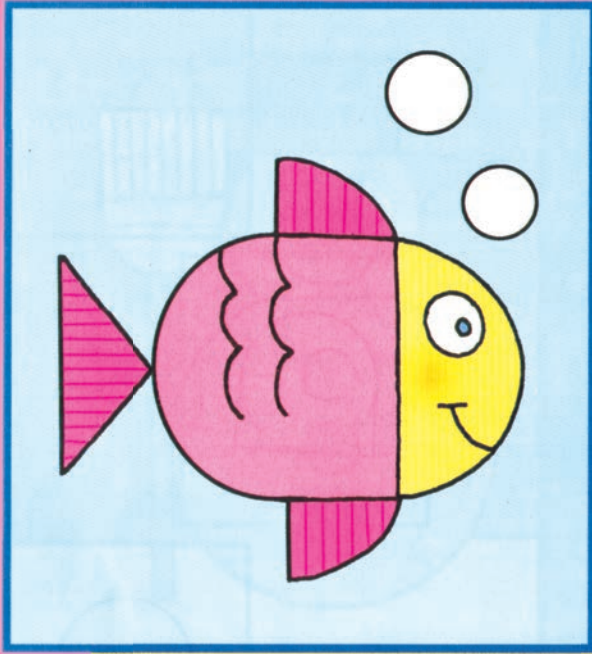
بعضی شب‌ها تو خونه
می‌شینم رو بالش
خرسواری می‌کنم
تا یه کم خوش حال بشم

مامانم دوست نداره
که بالش یه خر باشه
می‌گه، این باید فقط
شب‌ها زیر سر باشه

می‌خواد اونو صاف کنه
می‌زنه با مشت و چک
خر بیچاره‌ی من
می‌خوره باز هم کتک

گوش‌هاشو سفت می‌گیرم
روی فرش راه می‌برم
گل‌های فرش ما رو
خیلی دوست داره خرم





قدم به قدم
مریم حرمی

اگر می‌خواهی
نقاشی کردن را
درست یاد بگیری
تمرین‌های این
صفحه را با دقت
انجام بده!

جدول حرف تو حرف

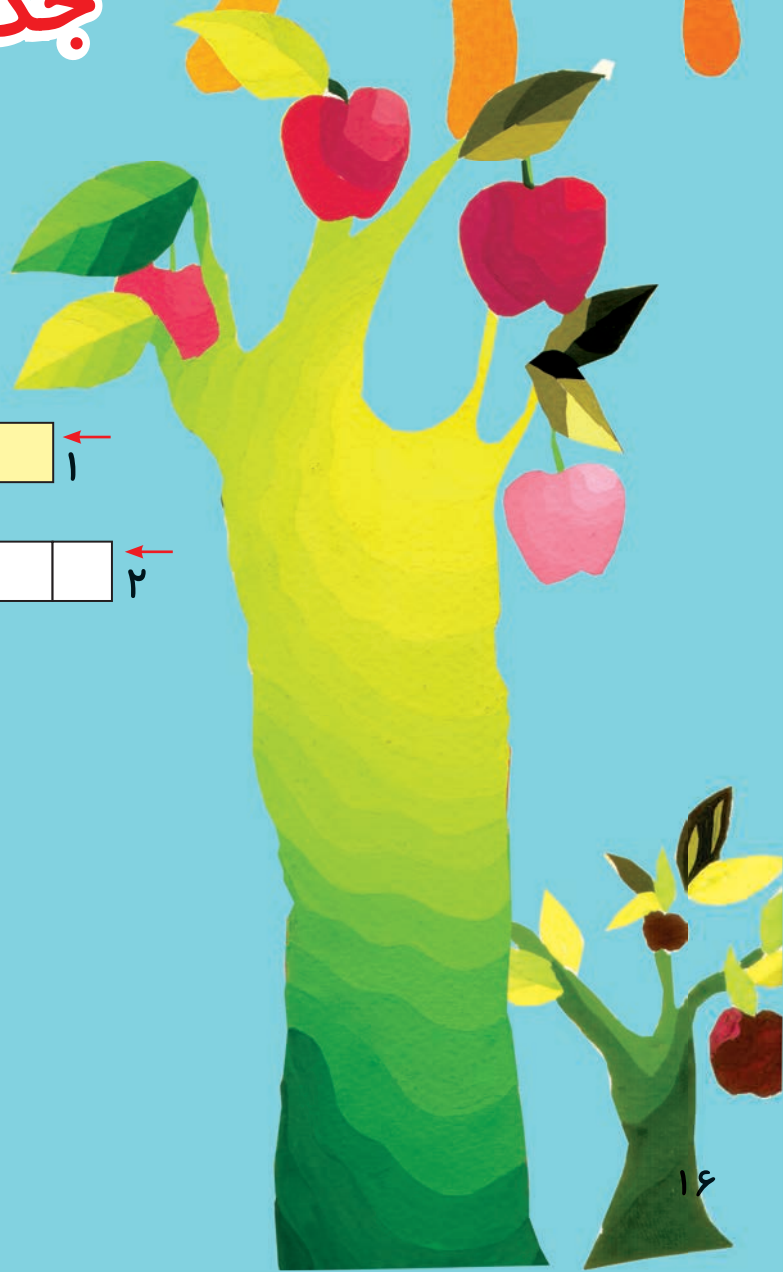
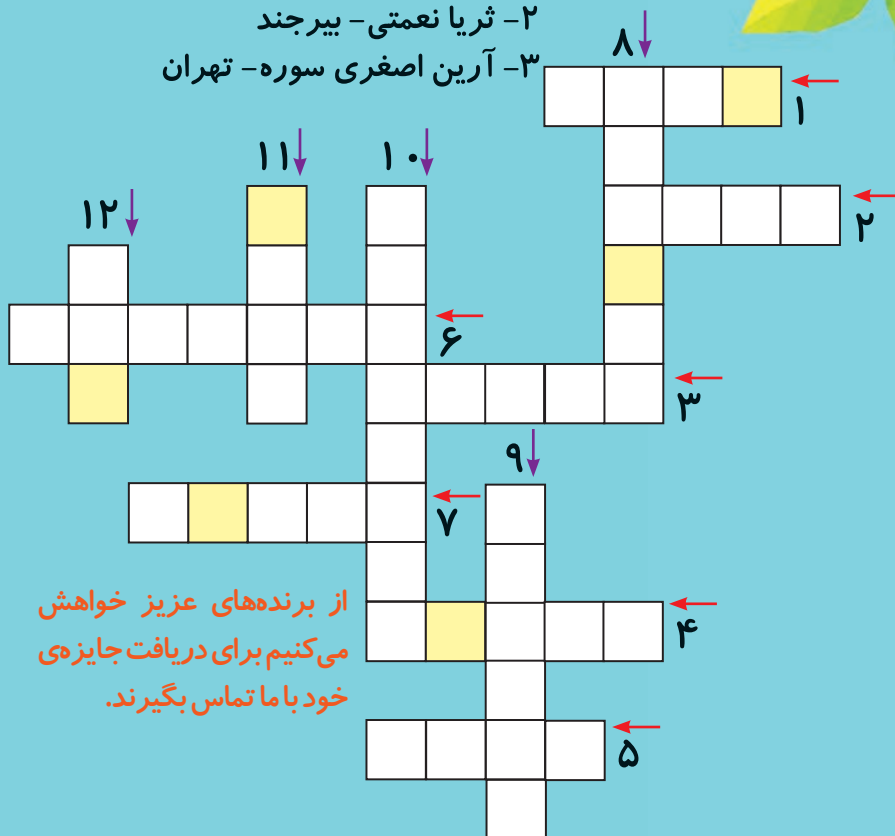
توجه: ابتدا جدول را حل کنید، سپس کلمه‌ی
رمز را از خانه‌های رنگی پیدا کنید.

برندگان داستان همبستگی:

۱- سروش انصاری مهابادی-تهران

۲- ثریا نعمتی- بیرجند

۳- آرین اصغری سوره- تهران



افقی

- ۱- بهشت زیر پای اوست.
- ۲- پرنده‌ی آوازخوان که صبح زود مردم را بیدار می‌کند.
- ۳- عیدِ اوّل بهار است.
- ۴- نام دختر گرامی حضرت محمد (ص) است.
- ۵- حیوانی که دشمن موش است.
- ۶- حرم این امام معصوم (ع) در شهر مشهد است.
- ۷- نام کشور اسلامی ماست.

عمودی

- ۸- نام دیگر قصّه است.
- ۹- غذایی که در ماه مبارک رمضان، بعد از اذان مغرب و وقت افطار می‌خورند.
- ۱۰- جایی که در آن نماز می‌خوانند.
- ۱۱- کتاب دینی و مقدّس مسلمانان است.
- ۱۲- به شست‌وشوی دست و صورت و... پیش از شروع نماز می‌گویند.

مأثده السادات دشتی، ۶ساله از قم از میان
بچه‌های مجله بیش‌تر از همه برای ما نامه
فرستاده است. شاهد کودک برای تشکر
از این دوست خوب، هدیه‌ای را به نشانی
او ارسال می‌کند.

● طراح جدول: ابراهیم زارعی
● تصویرگر: مهین کاظمی



يُنْبِتَانِي ٩/٩ نَنْتَرُهُمَا

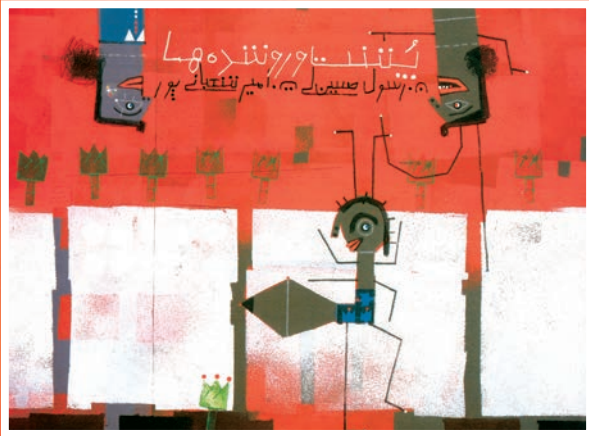
● گلدیس حکمی

لاک پشت کوچولو پاک گیج شده بود و نمی دانست چه بلایی به سرش آمده، سوسک چاق و چله‌ای هم که در نزدیکی او هی بال می‌زد و دور خودش می‌چرخید، وضعیتی شبیه به او داشت.

فکر می کنی ما کجا هستیم؟

این صدای سوسک بود و لاک پشت اصلاً باورش نمی شد که دارد زبان سوسک را می فهمد. او قبلاً تنها زبان لاک پشت ها و قورباغه ها را می فهمید. حالا از این که هم صحبتی پیدا کرده بود، احساس خوش حالی می کرد. اما با خودش فکر کرد که اگر مامانش بفهمد با سوسکی هم صحبت شده، حتماً دعوایش می کند. چون سوسک ها کثیف و آلوده بودند.

برای این که بقیه‌ی داستان را بفهمی، باید کتاب پشت و رو شده‌ها را بخوانی. داستان آن نوشته‌ی آقای رسول حسین‌لی است. تصویرهای زیبای این کتاب را آقای امیر شعبانی‌پور کشیده‌اند و آن را انتشارات امیرکبیر با قیمت ۱۴۰۰ تومان به چاپ رسانده است.



فرم اشتراک شاهد کودک

دوستان خوب و مهربان، فرم زیر را با کمک بزرگ‌ترها پر کنید و به نشانی ما بفرستید.
 مبلغ اشتراک ششماهه ۱۵۰۰ تومان و مبلغ اشتراک یکساله ۳۰۰۰ تومان است.
 مبلغ مورد نظر خود را به شماره حساب ۲۱۸۲۰۵۵۵ بانک تجارت شعبه میدان هفتم تیر به نام
 انتشارات شاهد واریز نمایید.
 فیش واریزی را همراه با فرم تکمیل شده به نشانی مجله شاهد کودک ارسال نمایید.
 نشانی: تهران، خیابان آیت‌الله طالقانی، خیابان ملک الشعرای بهار شمالی، پلاک ۳
 صندوق پستی: ۱۹۱-۱۵۷۱۵، انتشارات شاهد

نام خانوادگی:	نام:
نشانی:	تاریخ تولد:/../۱۳۰۰
کد پستی:	تلفن:
مدت اشتراک: ۶ ماه	یک سال

بچه‌های مجله

گلناز آدینه‌زاده	زهرابشیری	امیر معز پیرمحمد جماعت	آذین ملک‌لو
امیر رضا اقبال دوست	شهرزاد بدر	فرزین سماک محمدی	محمد سامان قربانی
مبینا آقاجانی	گلناز نادعلی‌پور	سیده سبا قریشی	مهسا مرادی
مرضیه محمدی	نیلوفر شیرین‌زبان	مهدی کرمی	صدف ایل‌بگی طاهر
دانیال محبتی	هادی فیروزی	یاسمن حسامی	پژمان قدرتی
زهرامعصومیان	مهدی فیروزی	آرش جعفری	محدثه عظیمی
		فاطمه کمالی	



● تصویر گر: سیاوش ذوالفقاریان

حضرت فاطمه (س) کیست؟

او فرزند حضرت محمد (ص) و خدیجه (س) است.

حضرت فاطمه (س) در کودکی، مادر خود را از دست داد و از آن پس کارهای خانه را خود انجام می‌داد. با دست‌های کوچکش خانه را تمیز می‌کرد، لباس‌های پدرش را می‌شست و برای او غذا درست می‌کرد. به قدری مواظب پدر بود که پیامبر (ص) او را «مادرِ پدر» صدا می‌زد؛ چون فاطمه (س) برای او مانند مادری مهربان و فداکار بود.

او هیچ وقت از این که دختر پیامبر خداست، مغرور نمی‌شد؛ لباس‌های گران قیمت نمی‌پوشید و عقیده داشت که لباس هر قدر هم که کهنه باشد، ولی باید آن را تمیز و مرتب نگه داشت.

دختر پیامبر از پدر یاد گرفته بود که ساده زندگی کند. در روزهای سخت زندگی صبور باشد و به موقع از حق خود دفاع کند.

پیامبر آن قدر به دختر مهربانش علاقه داشت که هنگام بیرون رفتن از خانه او را می‌بوسید و وقتی باز می‌گشت، اول به دیدار دخترش می‌رفت.

به کارهای حضرت فاطمه (س) فکر کن و تصمیم بگیر که مانند او رفتار کنی.

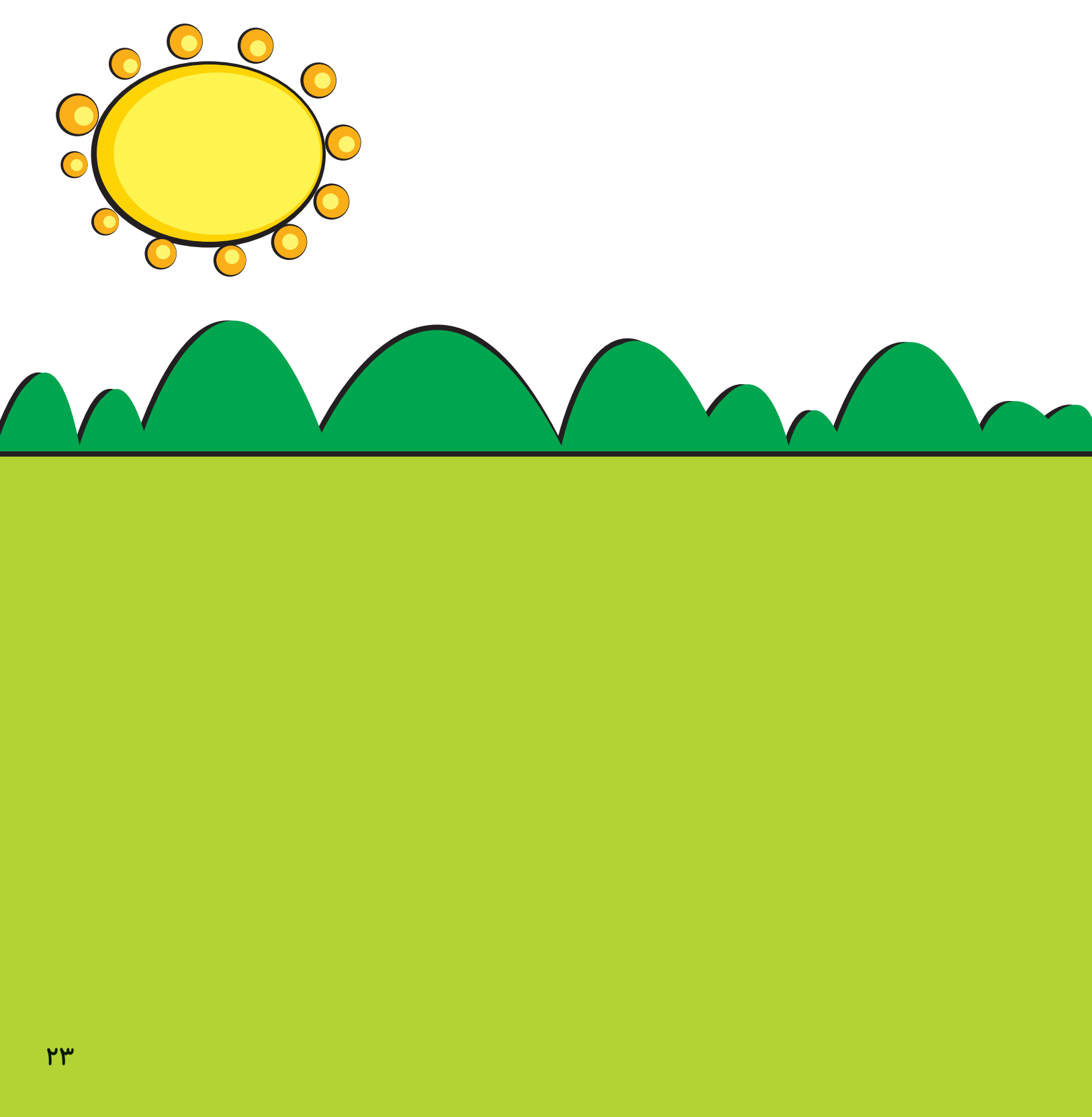


● تصویر گر: مریم حرمی

بیر و بچسبان

تصویرهای این صفحه
را بیر و در صفحه‌ی
رو به رو بچسبان!





دخترهای گل

به‌به! چه دخترهایی! همه کلاس سوّمی هستند. روز قبل از این که به دفتر مجله بیایند، جشن تکلیف‌شان بود. معلّم مهربان آن‌ها قول داده بود که دانش‌آموزان را با کار مجله از نزدیک آشنا کند. حالا آن‌ها می‌دانند، مجله‌ی شاهد کودک چه طور آماده می‌شود و چه کسانی برای تهیه‌ی آن فعالیت می‌کنند.





سرود بچه‌ها

پیش از طلوع خورشید
وقتی سپیده سر زد
وقتی پرندۀ شب
از بام خانه پر زد
از پشت بام مسجد
آمد ندای توحید
بار دگر به دل‌ها
نور نشاط بخشید

برخاستم من از خواب
رفتم وضو گرفتم
دست دعا گشودم
یاری از او گرفتم
من جانماز خود را
آهسته باز کردم
آن گاه با خدایم
راز و نیاز کردم

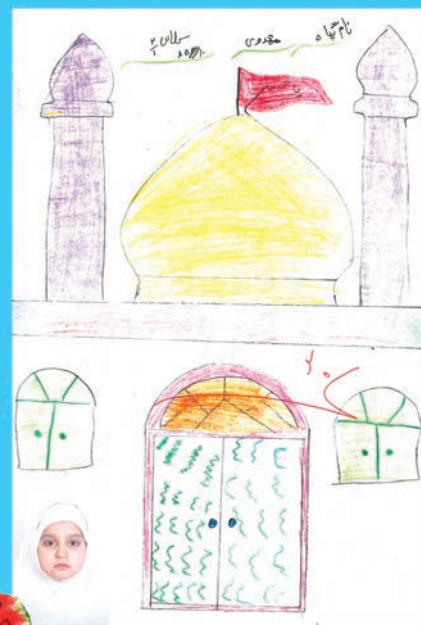
فاطمه فرجیان
۷/۵ ساله
از تسوج



آثار بچه‌ها



مژگان جعفری
۷/۵ ساله از
بوشهر



سید یاسین موسوی - ۷ ساله از دهلران



آرمین دردشتی



آرین دردشتی



لیلی پوراسماعیل



شمیم گل محمدی

پگاه مهدوی - کلاس دوم





▲ عرفان احمدپور - ۵/۶ ساله از اهواز



علی نکومنش
۷ ساله
از تهران



▲ مهدی نکومنش - ۱۰ ساله از تهران



▼ سیده طلایه حسینی پور - ۷ ساله از تهران



علیرضا نصیری
۸ ساله از تالش

من ترکمن هستم!
تو در کجای ایران اسلامی،
برای فردای بهتر درس می خوانی؟

